

Research Article

Situational Prevention of Theft in Natural Disasters and Crises

Amir Ahmadi Rouzbeh¹

Masoud Ghasemi²

Rouhollah Forouzesh³

Received: 02/09/2022

Accepted: 17/09/2022

Abstract

The application of a set of non-criminal measures is called crime prevention. In this regard, this application ruins the intention of crime and criminal and in a way, increases the cost of committing a crime and ultimately leads to the potential criminal's withdrawal from committing a crime. One of the crimes that increases during natural disasters and crises is theft. Therefore, in order to deal with it and re-establish social, economic security and peace of mind of the victims, crime prevention measures should be taken into consideration. This article aims to examine and provide preventive measures for the crime of theft in natural disasters and crises. This study is one of applied research in terms of purpose and nature, and its research method is Delphi and qualitative interview method. Furthermore, the data collection tool of this research is a researcher-made questionnaire, and its statistical population is a number

1. PhD student in criminal law and criminology, Azad University, South Tehran. amirahmadilaw@yahoo.com.
2. Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Azad University, Kermanshah (corresponding author) md.ghasemi@iauksh.ac.ir.
3. Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Azad University, South Tehran. mkt2020@yahoo.com.

* Ahmadi Rouzbeh, A., Ghasemi, M., & Forouzesh, R. (1401 AP). Situational prevention of theft in natural disasters and crises. *Biannual Journal of Jurisprudential Principles of Islamic Law*, 15 (30), pp. 276-308. Doi: 10.30495/jijl.2022.69285.1580.

of experts, elites, lawyers, etc., who have been evaluated. Situational crime prevention usually manifests itself through breaking one of the links in the chain of causes and events that can be neutralized and causes the crime to occur. The cost of situational prevention is much lower than the criminal punishment of criminals, and reducing the opportunity can be useful in deterring criminals from crime and fear. This kind of prevention includes a wide range of activities and measures to deal with theft. Eliminating ideal situations for the occurrence of crime, predicting safe places to store important and relief items, increasing checkpoints at the entrance and exit of crisis-hit cities, using electronic equipment for control and monitoring in accident-affected areas, etc. are effective during natural disasters and crises in the prevention of theft.

Keywords

The crime of theft, natural disasters and crises, situational prevention.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقاله پژوهشی

**پیشگیری وضعی از وقوع جرم سرقت در
 حوادث و بحران‌های طبیعی**

امیر احمدی روزبه^۱ مسعود قاسمی^۲ روح‌الله فروزش^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶

چکیده

به کاربرد مجموعه اقدامات غیر کیفری، پیشگیری وضعی از جرم گفته می‌شود؛ به نحوی که معادلات جرم و مجرم را برهم زده و به نوعی، هزینه ارتکاب جرم را بالا می‌برد و در نهایت، منجر به انصراف بزهکار بالقوه از ارتکاب جرم می‌گردد. یکی از جرایمی که در هنگام حوادث و بحران‌های طبیعی افزایش می‌یابد، جرم سرقت است؛ لذا در راستای مقابله با آن و برقراری دوباره امنیت اجتماعی، اقتصادی و آرامش خاطر حادثه دیدگان، می‌توان تدابیر پیشگیری از جرم مد نظر قرار گیرد. این مقاله با هدف بررسی و ارائه تدابیر پیشگیری وضعی از جرم سرقت در حوادث و بحران‌های طبیعی می‌پردازد. این پژوهش به لحاظ هدف و ماهیت در شمار تحقیقات کاربردی بوده و روش تحقیق آن دلفی و شیوه مصاحبه کیفی است. همچنین ابزار گردآوری داده‌های این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته است و جامعه آماری آن تعدادی از کارشناسان، نخبگان، حقوقدانان و... هستند که مورد ارزیابی واقع گردیده‌اند. پیشگیری وضعی از جرم

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد، تهران جنوب. amirahmadilaw@yahoo.com
۲. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد، کرمانشاه (نویسنده مسئول). md.ghasemi@iauaksh.ac.ir
۳. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد، تهران جنوب. mkt2020@yahoo.com

* احمدی روزبه، امیر؛ قاسمی، مسعود و فروزش، روح‌الله. (۱۴۰۱). پیشگیری وضعی از وقوع جرم سرقت در حوادث و بحران‌های طبیعی. فصلنامه علمی - تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵(۳۰)، صص ۲۷۶-۳۰۸.

معمولاً از طریق گسستن یکی از حلقه‌های زنجیره علل و وقایعی که قابل خنثی‌سازی بوده و سبب وقوع جرم می‌گردد، خود را نمایان می‌سازد. هزینه پیشگیری وضعی به مراتب کمتر از مجازات کیفری مجرمان است و کاهش فرصت می‌تواند در بازدارندگی از جرم و ترس بزهکاران مفید باشد. این نوع پیشگیری، دربرگیرنده طیف وسیعی از فعالیت‌ها و اقدامات مقابله با جرم سرقت است. از بین بردن موقعیت‌های مساعد برای وقوع جرم، پیش‌بینی مکان‌های امن برای نگهداری ارقام مهم و امدادی، افزایش پست‌های بازرسی در ورودی و خروجی شهرهای بحران‌زده، استفاده از تجهیزات الکترونیکی جهت کنترل و نظارت در مناطق حادثه‌دیده و ... در پیشگیری از وقوع جرم سرقت در هنگام وقوع حوادث و بحران‌های طبیعی مؤثرند.

کلیدواژه‌ها

جرم سرقت، حوادث و بحران‌های طبیعی، پیشگیری وضعی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

وقوع حوادث و بحران‌های طبیعی همواره جوامع بشری را تهدید می‌کند و کشور ایران نیز از آسیب این حوادث در امان نبوده و از جمله کشورهای حادثه‌خیز به‌شمار می‌رود، اما نکته حائز اهمیت، ظهور شرایط و اوضاع نابسامان، هرج و مرج و اختلال به‌وجود آمده ناشی از این حوادث در زندگی روزمره مردم است که برطرف نمودن و کنترل شرایط مذکور، نیازمند مشارکت کلیه نهادها و سازمان‌های مرتبط با مقوله مدیریت بحران است. بر اساس تغییری که در اولویت فعالیت‌های ذاتی دستگاه‌های اجرایی و متولی پیشگیری از وقوع جرم در هنگام بحران‌ها رخ می‌دهد، از جمله نجات جان افراد حادثه‌دیده، کمک‌رسانی پس از بحران و...، به‌صورت ناخودآگاه تمرکز بر روی حفظ امنیت و پیشگیری از وقوع جرائم کمتر شده و فرصت سوءاستفاده افراد سودجو و بزهکار را برای ارتکاب برخی جرائم معمول از جمله سرقت را فراهم می‌سازد. در این پژوهش سعی شده بر اساس تجربیاتی که در زلزله سال ۱۳۹۶ کرمانشاه به‌دست آمده، در خصوص ارائه راهکارها و تدابیر پیشگیری وضعی که نسبت به سایر روش‌های پیشگیرانه مؤثرتر واقع گردیده است، سخن به میان آید.

بیان مسئله

بزهکاری پدیده‌ای اجتماعی - انسانی است که همه جوامع بشری از دیرباز با آن روبرو بوده‌اند. این مسئله به‌خصوص در قرن حاضر و به دنبال تحول پدیده‌های سنتی و ظهور مؤلفه‌های جدید در زیست انسانی، روندی رو به رشد را دنبال کرده است. بدیهی است در چنین وضعیتی، صرف به کارگیری ابزارهای کیفی (واکنشی) در جهت مقابله و سرکوب بزهکاری، راه به‌جایی نبرده و به همین دلیل، نظام‌های سیاست جنایی مختلف به بهره‌جستن از ابزارهای پیشگیری کیفی (کنشی) روی آورده‌اند. کشور ایران نیز از این قاعده جدا نبوده و پدیده بزهکاری در آن، همچون سایر کشورها یکی از معضله‌های مهم اجتماعی است. بااین‌وجود، نبودن مدیریت متمرکز، خلأها و ابهامات قانونی، تداخل

وظایف نهادهای دولتی و فقدان راهبرد و برنامه بومی و ملی در حوزه پیشگیری از جرم، موجب اتخاذ سیاست‌ها، تدابیر، پیش‌بینی راهبردها و اعمال اقدامات نامنسجم، نامتناسج و گاه متضاد در این حوزه شده است.

فعالیت‌های جاری نهادهای دولتی، عمومی، خصوصی حسب مورد می‌تواند نقش مستقیم یا غیرمستقیم در کاهش یا افزایش عوامل ایجادکننده جرم و ناهنجاری داشته باشد؛ بنابراین سیاست پیشگیری از جرم زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که بتواند سیاست‌ها و فعالیت‌های نهادهای تأثیرگذار در عوامل ایجادکننده جرم در موقع بحران را با آموزه‌های پیشگیری از جرم هم سو کند.

یکی از روش‌های همسوسازی اقدامات جاری نهادهای دولتی و خصوصی با آموزه‌های پیشگیری از جرم، رویکرد نوینی تحت عنوان چند نهادی است. این رویکرد، تدابیر پیشگیرانه مرتبط با بحران از جمله پلیس را وارد مرحله‌ای کرده که در آن پلیس، افزون بر بهره‌گیری از ابزارهای تعریف‌شده در نظام عدالت کیفری، تلاش می‌کند از همکاری و مشارکت سایر نهادهای دولتی و اجتماعی و شهروندان در راستای پیشگیری از جرم استفاده کند.

با توجه به ارزیابی‌های انجام‌شده از میزان کارایی رویکردهای مختلف پیشگیری از جرم در کنترل میزان جرایمی مانند جرم سرقت و پیشگیری از آن، نیاز به استفاده از توان سایر نهادهای دخیل در امر پیشگیری و مدیریت بحران احساس می‌شود. باین‌حال، برای روشن شدن موضوع ابتدا به تعریف و مفهوم پیشگیری می‌پردازیم.

واژه پیشگیری در مفهوم متداولش در معانی پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و همچنین آگاه کردن و هشدار دادن است. در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود یعنی به کار بردن فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است.

تعریف عام از پیشگیری عبارت است از هر اقدامی که از ارتکاب جرم جلوگیری کرده و در مقابل آن، مانع ایجاد نماید. این اقدامات شامل جنبه کیفری یا غیرکیفری چه مربوط به قبل و حین و بعد از وقوع جرم است. بر اساس این تعریف، هر اقدامی که علیه جرم و برای

مقابله با آن طراحی شده باشد و موجب کاهش نرخ بزهکاری و جرم گردد، در حوزه تعریف عام پیشگیری قرار می‌گیرد.

در تعریف خاص از پیشگیری میان جرم‌شناسان نظرات مختلفی وجود دارد. برخی از جرم‌شناسان معتقدند پیشگیری از بزهکاری عبارت است از وسایل و ابزاری که دولت و جامعه مدنی به منظور خاص مهار بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی به کار می‌گیرند.

عده‌ای دیگر از جرم‌شناسان معتقدند پیشگیری از جرم دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که نرخ بزهکاری را کاهش می‌دهد؛ بدین صورت که از یک‌سو، علل اثرگذار بر ارتکاب جرم را شناسایی کرده و از سوی دیگر ابتکارات مناسبی را برای مبارزه با این علل طراحی و اعمال نماید (نجفی ابرندآبادی، ۴۰۱: ۱۳۸۱).

گروهی دیگر نیز تأکید دارند که پیشگیری هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن، تحدید حدود امکان پیش‌آمد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن ساختن، دشوار کردن یا کاهش دادن احتمال وقوع آنهاست، بدون اینکه از تحدید کیفر یا اجرای آن استفاده شود.

شاید بتوان گفت به تعداد صاحب‌نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی از پیشگیری ارائه شده است، اما بر اساس ماده یکم قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ پیشگیری از جرم عبارت است از: پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن. البته اصطلاح پیشگیری، قبل از اینکه تعریف قانونی فوق از آن ارائه گردد، در بسیاری از متون رسمی راه یافته و نهادها و مراجع مختلفی در اجرای این سیاست وظایفی را برعهده گرفته‌اند؛ برای نمونه در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیشگیری از وظایف قوه قضاییه شمرده شده است. همچنین در بند ۸ از ماده ۴ قانون نیروی انتظامی پیشگیری از وقوع جرایم از وظایف نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط اعلام شده است.

در باب مفهوم پیشگیری تعریفی هم از ریموند گسن بدین شرح ارائه شده است: مجموعه اقدام‌های سیاست جنایی که اقدام‌های مداخله سیاسی از آن استثنا شده است و

هدف انحصاری یا دست کم مهم آن، محدود کردن امکان پیش آمد مجموعه اعمال مجرمانه یا غیرممکن ساختن، بسیار سخت ساختن و یا کم احتمال کردن وقوع آنهاست. در تعریف دیگری، روگسون^۱ پیشگیری از جرم را تدابیری می داند که در راستای حفاظت شهروندان از تجاوز به حیطه خصوصی و تهدید هویت آنها فراهم می آورد. باین حال، به نظر می رسد پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه اقداماتی است که هدف غایی و نهایی آن، منحصرأ یا به صورت جزئی محدود کردن دامنه ارتکاب جرم و غیرممکن کردن یا کم کردن احتمال وقوع جرم است.

به لحاظ تاریخی جوامع بشری در طول تاریخ با سرکوبی و مجازات آن دسته از افعال یا ترک افعالی که جرم شناخته می شد، واکنش نشان داده اند و واکنش نسبت به بزهدکاری در کلیه جوامع و زمان ها به یک شکل نبوده است. دستگاه عدالت تا پایان قرن هجدهم تنها عملی که انجام می داد، مجازات گناهکار با هدف عبرت دادن به دیگران و ایجاد رعب و هراس در اجتماع بود؛ زیرا تصور می شد شکنجه و مجازات های شدید می تواند ترس و وحشت در اجتماع پدید آورد و در نتیجه، مانع از ارتکاب جرم توسط دیگران گردد. این گونه سیاست پیشگیری از جرم همراه با انتقام در ملأعام و با تبلیغات و با خشونت بسیار در برابر دیدگان مردم انجام می گرفت. با گذشت مدت زمان زیادی (اواسط قرن بیستم) در سطح بین المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد با طراحی کنگره های پنج سالانه پیشگیری از وقوع جرم از سال ۱۹۵۵ میلادی تا کنون در جهت هم فکری متخصصان پیشگیری از وقوع جرم و سیاست گذاری برای دولت های عضو ایفای نقش می نماید.

اهمیت و ضرورت پیشگیری از وقوع جرم در حوادث و بحران ها

اگر بخواهیم در مورد پیشگیری از وقوع جرم در بحران ها صحبت کنیم، لازم است ابتدا در خصوص وقوع جرم در حوادث و علت وقوع آن شرح دهیم؛ زیرا معمولاً بی نظمی و هرج و مرج ناشی از به وقوع پیوستن حوادث و بحران های طبیعی و همچنین شرایط

1. Regson.

اجتماعی، روحی و روانی ویژه‌ای که پس از آنها به وجود می‌آید، بستری برای بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری است؛ به معنای دیگر حوادث و بحران‌های طبیعی افزون بر درد و رنج و مصیبت‌هایی که برای آسیب دیدگان به همراه دارند، باعث ایجاد خلأها و پیامدهای غیر معمولی برای روند عادی زندگی روزمره افراد جامعه می‌شوند در حین و بعد از وقوع این‌گونه بحران‌ها به لحاظ برهم خوردن نظم، ناهماهنگی بین سازمان‌های مسئول، تغییر در اولویت کاری مراجع انتظامی و امنیتی، نابسامانی، کمبود نیروی انسانی در جهت حفظ نظم و امنیت با توجه به وسیع بودن نقاط حادثه‌دیده و... برای مدتی قابل توجه، فضای لازم برای افراد سودجو و فرصت طلب جهت تبدیل نمودن افکار مجرمانه خود به فعل مجرمانه ایجاد می‌گردد و فراهم شدن فرصت برای خشونت و ارتکاب جرم نتیجه آن است؛ لذا احتمال وقوع جرایمی مختلف در محیط بحران‌زده و علیه آسیب دیدگان قویاً پیش‌بینی می‌گردد.

یکی از جرایمی که در هنگام وقوع مصائب جمعی افزایش می‌یابد، جرم سرقت است؛ زیرا اموال مردم، کالاهای امدادی و از سوی دیگر مراکز حیاتی و مهم از جمله تأسیسات، بانک‌ها، صرافی و انبارها ممکن است مورد دست‌اندازی بزهکاران و افراد سودجو قرار گیرد (علیمردانی، ۱۳۹۵، ص ۱۴) که نهادهای متولی پیشگیری از جرایم از جمله نیروی انتظامی که وظیفه ذاتی آن است، باید با استفاده از تدابیر پیشگیری وضعی مناسب، درصد کنترل، تثبیت و بهبود شرایط بحرانی پیش‌آمده گام بردارند؛ زیرا پیش‌نیاز امداد رسانی صحیح به افراد حادثه‌دیده وجود نظم و امنیت است.

مطالعات نشان می‌دهد وقوع حادثه طبیعی فراگیر، مثل سیل و زلزله می‌تواند زندگی عادی مردم را خصوصاً در شهرهای بزرگ یا مناطقی که در آنجا به هر دلیل اختلاف قومی، زبانی و یا شرایط خاص اقتصادی و جغرافیایی وجود دارد، با اختلال جدی روبه‌رو سازد؛ به عبارت دیگر، وقوع حادثه همه‌گیر جرم‌ساز یا حداقل عامل ناهنجاری، آشوب و بیماری روانی است. این وضعیت اگر با شرایط فضای خاص حاکم بر محل حادثه، زمان وقوع آن، گستره بحران و نابسامانی مدیریتی تلاقی پیدا کند؛ به‌ویژه در مورد کلان‌شهرها می‌تواند به فاجعه‌ای سیاسی - امنیتی تبدیل گردد.

با توجه به این توضیحات علت ارتکاب جرم را در هنگام بروز حوادث و بحران‌ها را می‌توان به دو گروه علل محیطی و اجتماعی تقسیم نمود:

۱. علل محیطی: وقتی حادثه و بحرانی به وقوع می‌پیوندد، به دلایل مختلف برای مدتی کوتاه یا بلند ادامه پیدا می‌کند و بستری برای بروز جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی به علت اوضاع آشفته، بی‌برنامگی یا ناهماهنگی در کنترل شرایط توسط دولت فراهم می‌گردد و با توجه به عدم آمادگی قبلی نهادهای اجرایی و تغییر در اولویت‌ها نسبت به شرایط عادی به‌طور ناخودآگاه تمرکز دستگاه‌ها و نهادهایی که به‌نوعی وظیفه کنترل بزهکاری، حفظ نظم و امنیت را دارند، به سمت کمک‌رسانی و نجات آسیب‌دیدگان در بحران معطوف می‌شود و احتمال اینکه در این موقعیت افرادی به دنبال اعمال مجرمانه و سوءاستفاده باشند وجود دارد؛ بنابراین، فضای محیطی ایجاد شده می‌تواند یکی از دلایل بروز بزهکاری باشد. فرض کنید در اثر وقوع زلزله سیستم امنیتی و درب‌های ورودی یک جواهرفروشی یا صرافی تخریب شود، در نتیجه عده‌ای از فرصت استفاده نموده و اموال با ارزش را سرقت می‌کنند. این در حالی است که اغلب مردم در آن شرایط به فکر نجات جان خود هستند و حفظ اموالشان در اولویت بعدی قرار دارد. همچنین، وقوع بحران‌های همه‌گیر با توجه به تأثیری که بر زندگی مردم می‌گذارند، باعث به وجود آمدن نیازهای جدیدی می‌شود؛ از جمله اینکه افراد آسیب‌دیده برای دستیابی به غذا و سرپناه دست به اعمال مجرمانه ایی زده و به‌نوعی منافع شخصی خود را بر دیگران ترجیح می‌دهند؛ مثلاً هنگامی که محموله‌های غذایی، لباس، چادر و... که به‌عنوان کمک به آسیب‌دیدگان ارسال شده از سوی برخی مورد سرقت و خیانت‌درامانت قرار بگیرد و به‌نوعی فرصت بزهکاری ایجاد می‌گردد که نظیر آن را در زلزله بم (۱۳۸۲) و زلزله کرمانشاه (۱۳۹۶) شاهد بوده‌ایم.

۲. علل اجتماعی: در بخش قبلی اشاره شد که حوادث طبیعی به دلیل تأثیری که بر روی اجتماع می‌گذارند، به‌طور طبیعی باعث فعال شدن بحران اجتماعی و ناهنجاری‌هایی می‌شود. تارد نیز در کتاب فلسفه کیفری، تأثیر محیط و اطرافیان را در بزهکاری حائز اهمیت می‌داند. به نظر می‌رسد در محیط بحران‌زده نابسامانی در امورات مربوط به تأمین نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان، تبعیض در ارائه خدمات، برهم خوردن نظم سازمان‌ها

خصوصاً سازمان‌های انتظامی و امنیتی، تعلل و ناتوانی در برگرداندن شرایط به حالت عادی و... می‌تواند موجب نارضایتی، خشم و وحشت، گرسنگی افراد جامعه حادثه‌دیده شده و آنها را به سمت ناهنجاری‌های روانی، ضرب و جرح، فحاشی، سرقت، نزاع دسته‌جمعی و بسیاری از جرائم گوناگون سوق دهد. از سوی دیگر، چنین اوضاع اجتماعی رفته‌رفته جامعه را به سوی فقر و تنگدستی می‌برد که عامل بی‌توجهی به مسائل معنوی و ارزش‌ها و هنجارهاست.

واضح است که بسیاری از افراد اگر از لحاظ اقتصادی در شرایطی قرار داشته باشند که نتوانند مایحتاج اولیه و ضروری زندگی خودشان را فراهم نمایند و گرسنه بمانند، حرکت و رفتار در چارچوب ارزشی، اخلاقی و قانونی برای آنها معنا و مفهومی ندارد و تلاش آنها در پی حل مشکلات معیشتی معطوف می‌گردد.

آنومی در نظریات دورکیم اشاره به بی‌سازمانی، گسستگی اجتماعی، اختلال و اغتشاش در نظام جمعی دارد؛ به عبارت دیگر، وقتی اجتماعی بحران‌زده بر سر پذیرش هنجارهای اجتماعی و اهداف و انتظارات جامعه نباشد، بی‌هنجاری یا آنومی شکل می‌گیرد. وی علت افزایش بزهکاری را سه عامل تراکم جمعیت، عدم تفکیک ساکنان شهر و نداشتن هویت شهر و شهروندی می‌داند که به نظر می‌رسد این سه مورد در هنگام وقوع حوادث طبیعی نظیر سیل و زلزله و... وجود دارند؛ بنابراین، آنچه دورکیم در ارتباط با آنومی و رفتار انحرافی مطرح کرده است، شامل انحراف یا کج‌رفتاری در بلایای طبیعی هم می‌شود.

از آنجاکه در حوادث و بحران‌های طبیعی به‌خصوص زلزله، سیل، خشک‌سالی و مانند آن جامعه با شرایطی همچون موقعیت‌های نامناسب اجتماعی، اقتصادی از جمله جیره‌بندی مواد غذایی و دارویی، بی‌ثباتی قیمت‌ها، ایجاد بازار سیاه برخی کالاهای ضروری مواجه می‌گردد، بحران اقتصادی، فقر و بیکاری، روند صعودی می‌یابد که این امر باعث می‌شود افراد جامعه، به‌خصوص آسیب‌دیدگان و جوانان، ارزش‌ها و هنجارهای یک منطقه را زیر پا بگذارند. از سویی با توجه به اینکه بعد از زلزله و دیگر حوادث فراگیر، کودکان و زنان زیادی بی‌سرپرست و بی‌خانمان می‌شوند و جوانان زیادی شغل خود را از دست می‌دهند و

یافتن شغل با درآمد مطمئن برای آینده آنان کاری سخت است. در این گونه جوامع، افراد برای فرار از بیکاری و تأمین اقتصادی زندگی به انجام هر کاری تن می‌دهند و در صورتی که کار رضایت بخشی هم پیدا نکنند، رفته‌رفته برای تأمین معاش زندگی خود به سمت کارهای خلاف و ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای همچون سرقت، کلاهبرداری، قتل، قاچاق کالا، مواد مخدر، اسلحه و روابط نامشروع کشیده می‌شوند (آقابخشی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷).

بر اساس این نظریه در هنگام وقوع بحران‌ها و حوادث، انومی یا بی‌هنجاری اجتماعی شیوع یافته و هنجارها و ساختارهای رفتاری در جامعه دچار تضاد و ازهم‌گسیختگی می‌شود. به هر حال، سه منشأ کلی فشار وجود دارد که باعث انحراف می‌شوند:

۱. نداشتن موفقیت در دستیابی به اهداف با ارزش از نظر اجتماعی؛

۲. حذف وقایع با ارزش از نظر اجتماعی مانند از دست دادن والدین و نزدیکان؛

۳. تجربه وقایع منفی از نظر ارزش‌های اجتماعی.

از آنجا که معمولاً منشأ کلی فشار در نداشتن موفقیت در دستیابی به اهداف و وقوع حوادث بزرگ و تأثیرگذار از نظر اجتماعی است، می‌توان نتیجه گرفت که وقوع حوادث و بحران‌های عظیم و تأثیرگذار در زندگی مثل از دست دادن والدین و اعضای خانواده در زلزله و سیل می‌تواند منشأ فشاری باشد که فرد را به سمت ناهنجاری اجتماعی و ارتکاب اعمال مجرمانه هدایت نماید.

یکی از مهم‌ترین ناهنجاری‌ها و جرایمی که در هنگام وقوع حوادث و بحران‌های طبیعی به علت شیوع فقر و محرومیت مادی بروز پیدا می‌کند، جرم سرقت است که از لحاظ روانی افرادی که دچار حس حقارت و محرومیت هستند، به نوعی اجتماع را مسئول مشکلات مادی خود می‌دانند و درصدد هستند با تلاش از مجاری غیرقانونی و ضداجتماعی اقدام به فقرزدایی از خود نمایند.

نظر به اینکه حوادث طبیعی همچون زلزله باعث ورود خسارات شدیدی به واحدهای تجاری، صنعتی، اداری و به‌طور کلی به اقتصاد یک جامعه می‌گردد و هزینه‌های هنگفتی را به دنبال دارد، جامعه دچار یک سری نارسایی‌ها و محرومیت‌ها، کاهش سطح درآمد و افزایش بیکاری و درنهایت ارتکاب جرم سرقت و افزایش آن می‌شود. با این تفاسیر در

پژوهش حاضر سعی بر آن داریم که پیشگیری وضعی از جرم سرقت را مورد بررسی قرار داده و در نهایت راهکارها و پیشنهادهایی در بحث کنترل این جرم در حوادث و بحران‌های ارائه دهیم.

هدف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، بررسی و تحلیل پیشگیری وضعی از جرم سرقت و همچنین ارائه راهکارهایی در راستای کاهش و کنترل این جرم در هنگام وقوع بلا یا و بحران‌های طبیعی است. این موضوع با توجه به ماهیت پیشگیری وضعی که با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیطی مانند زمان و مکان، درصدد است از وقوع جرم توسط فرد جلوگیری کند مرتبط است.



مبانی نظری تحقیق

حوادث و بحران‌های طبیعی.

الف - بحران

بحران به معنای سرگشتگی، نقطه عطف، پریشانی، چالش، ناآرامی، آشفتگی و سختی آمده است. همچنین آن را معادل واژه انگلیسی «crisis» می‌دانند، بحران وضعیتی است که نظم مجموعه اصلی یا بخش‌هایی از آن مجموعه‌های فرعی را مختل نموده و پایداری آن را بر هم می‌ریزد. بحران اصطلاحی است که از علوم پزشکی به علوم اجتماعی و اقتصادی ورود پیدا کرده است. بحران‌در پزشکی به حالتی گفته می‌شود که اعضای بدن دچار عدم تعادل شده و سلامتی انسان در معرض خطر قرار می‌گیرد.

برخی بر این باورند که این تعاریف در زمینه اجتماعی مصداق دارد به این معنا که زمانی که جامعه از حالت تعادل و نظم عادی روزمره خود، خارج و دچار آشفتگی می‌شود و وضعیت بحرانی نیز حاکم می‌گردد. از این رو، بحران را می‌توان شرایطی غیرعادی دانست که در آن مشکلات ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی رخ داده است و در چنین شرایطی

قوانین و هنجارهای مرسوم دیگر راهگشا نیستند. این واژه به چیزی اشاره دارد که روشن نیست. بحران به دو خلاً اشاره دارد: یکی در دانش است و دیگری در خود واقعیت اجتماعی که بحران در آن ظاهر است (اسدی، ۱۳۷۰، ص ۹۸-۱۰۷). در تعریفی دیگر «بحران، واقعه پیش‌بینی نشده‌ای است که به دلیل اضطراب و فوریت آن باید مورد توجه فوری قرار گیرد؛ زیرا عدم توجه و رسیدگی بلافاصله به آن به وخیم‌تر شدنش می‌افزاید» (سعادت، ۱۳۶۹، ص ۲۱).

همچنین از دیدگاه نظام‌مند، بحران عبارت از وضعیتی است که نظم اصلی یا قسمت‌هایی از آن را که ما نظام فرعی می‌نامیم، مختل کرده و پایداری آن را برهم می‌زند؛ به عبارت دیگر، بحران وضعیتی است که تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر نظام به وجود می‌آورد (اسدی، ۱۳۷۰، ص ۱۳). منظور از بحران‌های طبیعی، وقوع ناگهانی یک فاجعه که ساختار بنیادی و عملکردی عادی جامعه یا مردم را مختل می‌کند. رویداد یا مجموعه رویدادهایی که میزان تلفات جانی و یا خسارات مالی وارده به اموال، ساختمان‌های زیربنایی، خدمات پایه و یا وسایل امرار معاش بیش از ظرفیت عادی جامعه‌ای که در معرض آن حادثه قرار گرفته باشد و بدون کمک نشود با آن مقابله کرد (رئیس اکبری، ۱۳۸۴، ص ۱۹).

حوادث طبیعی اصولاً تغییری است که در شرایط محیطی که سبب گسسته شدن روند زندگی طبیعی مردم و قرار گرفتن آن‌ها در معرض عناصر مضر و خطرناک محیط می‌شود؛ به عبارت دیگر، حوادث طبیعی عملی از طبیعت است که با آن‌چنان شدتی وضعی فاجعه‌انگیز ایجاد می‌کند و در این وضع زندگی روزمره ناگهان تحت تأثیر قرار گرفته و مردم دچار رنج و درماندگی شوند و در نتیجه به غذا، دارو، سرپناه، پوشاک، مراقبت‌ها و کمک‌های پزشکی و به محافظت در مقابل عوامل و شرایط نامساعد محیطی نیازمند گردند؛ مثل زلزله، سیل، آتشفشان، طوفان، بهمین، رانش زمین، سرما و گرمای شدید.

مشخصات و ویژگی‌های بحران: خصوصیات دوازده‌گانه‌ای توسط اینبروکان بیان شده است که به شناخت بهتر بحران‌ها کمک می‌کند:

۱. بحران معمولاً یک نقطه چرخش در مجموعه‌ای از رویدادها و عملیات‌هاست.

۲. بحران وضعیتی است که در آن ضرورت تصمیم‌گیری و عمل در اندیشه طراحان و عوامل درگیر بسیار بالاست.
۳. بحران یک تهدید واقعی برای اهداف و مقاصد عوامل درگیر است.
۴. بحران نتیجه هم‌زمانی تعدادی از وقایعی است که از ترکیب آنها اوضاع جدیدی به وجود می‌آید.
۵. بحران نتایج مهمی را به دنبال دارد که می‌تواند آینده روابط طرف‌های درگیر را مشخص نماید.
۶. مرحله‌ای زمانی که در آن شک درباره تخمین وضعیت و راهکارهای مهار آن افزایش می‌یابد.
۷. بحران وضعیتی است که در آن کنترل رخدادها و تأثیر آنها کاهش می‌یابد.
۸. بحران یک وضعیت اضطراری است که در آن تشویش و نگرانی عوامل تصمیم‌گیرنده افزایش می‌یابد.
۹. در وضعیت بحرانی، معمولاً آگاهی و اطلاعات مورد نیاز تصمیم‌گیرندگان ناقص و ناکافی است.
۱۰. در وضعیت بحرانی، عامل زمان علیه عوامل درگیر عمل می‌کند.
۱۱. بحران مولد رفتاری است که غالباً آسیب‌شناسانه است نظیر احساس بی‌کفایتی یا دنبال مقصر گشتن.
۱۲. بحران اهداف طرف‌ها و نهادهای درگیر در آن را با تهدید مواجه می‌سازد. سطوح بحران عبارت است از اوضاعی که بر اساس عواملی همچون امکانات موجود در یک مجموعه، میزان و نوع درخواست مشتریان مجموعه و شرایط محیطی اطراف در یک‌زمان (به‌خصوص زمان بحران) شکل می‌گیرد و واکنش خاص خود را می‌طلبد؛ به معنای دیگر، واکنش هر مجموعه باید متناسب و ویژه همان سطح باشد و در یک‌زمان نباید در دو سطح مختلف قرار بگیرد. از دیدگاه تصمیم‌گیری در تعریف و تشخیص بحران با سه عامل اصلی تهدید، زمان و غافلگیری مواجه هستیم. از آنجا که وضعیت‌های بحرانی به تناسب شدت تهدید، تداوم زمانی و درجه آگاهی باهم متفاوت‌اند، پس سطوح بحران نیز

به تبع آن‌ها متفاوت می‌گردد. هر یک از سه عامل اصلی تعیین‌کننده سطوح بحران ممکن است در حد عالی، شدت و اهمیت آن‌ها را در یکی از ابعاد سه‌گانه مکعب بحران (درجه تهدید، زمان تصمیم‌گیری و درجه آگاهی) تجسم نمود.

ب - جرم سرقت

واژه سرقت کلمه‌ای عربی است که معنای فارسی آن دزدیدن، دزدی یا ربودن مال دیگری است (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۸۶۹) در زبان انگلیسی واژه «theft» به معنای سرقت است که لفظی عام بوده و به معنای ربودن مال دیگری، برداشتن مال غیر بدون رضایت صاحب آن تعریف شده است. در منابع فقهی، سرقت عبارت است از دزدیدن مال کسی به صورت پنهانی و بدون رضایت وی (حلی، ۱۳۸۶، ص ۴۸۳). در یک تعریف، سرقت عبارت از ربایش متقلبانه مال منقول متعلق به دیگری است (گلدوزیان، ۱۳۹۴، ص ۲۶۴). قانون‌گذار در ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سرقت را عبارت از ربودن مال متعلق به غیر تعریف کرده است.

وقوع جرم سرقت نیازمند انجام فعلی مثل ربودن یا ربایش، کش‌رفتن، برداشتن، بلند کردن و قاپیدن مال دیگری است. از آنجاکه بیشترین نوع سرقت در هنگام وقوع حوادث و بحران‌ها از منازل شامل مواردی از جمله اثاثیه منزل، پول، طلا و جواهرات، خودرو و موتورسیکلت داخل منزل، مدارک هویتی و همچنین از اماکن شامل مواردی از جمله سرقت از فروشگاه، بانک، ادارات و سازمان‌های دولتی، انبارهای اقلام امدادی و اهدایی مردمی و اماکن عمومی رخ می‌دهد؛ لذا در این پژوهش به این موارد توجه شده است.

ج - مفهوم پیشگیری وضعی

یکی از انواع پیشگیری غیر کیفری، پیشگیری وضعی یا همان موقعیت‌مدار است. این پیشگیری درصدد است که با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیطی و فیزیکی مثل زمان و مکان از ارتکاب جرم جلوگیری نماید. پیشگیری وضعی با توجه به شرایط بزه‌کار، نوع جرائم، اهداف موضوعات جرم و خصوصیات بزه‌دیده اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که

فرآیند آنها از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد بود (نجفی توانا، ۱۳۹۴، ص ۴۰۱) کلارک، جرم‌شناس معروف انگلیسی، پیشگیری وضعی از جرم را به‌عنوان اقدامات قابل‌سنجش و ارزیابی مقابله با جرم می‌داند. این اقدامات معطوف به اشکال خاصی از جرائم بوده و از طریق مدیریت یا مداخله در محیط بلاواسطه به شیوه‌ای پایدار و سیستماتیک منجر به کاهش فرصت‌های جرم با افزایش خطرات جرم که همواره مدنظر تعداد زیادی از مجرمان بوده است می‌شود (رزنام ولورسیو، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷-۱۷۲).

از سوی دیگر، دکتر نجفی ابرندآبادی پیشگیری وضعی از جرم را علت‌شناسی جرم در خارج از شخصیت مجرم می‌داند و معتقد است پیشگیری وضعی عبارت از اقدامات غیر کیفری است که معادلات جرم را برهم می‌زند و هزینه ارتکاب بزه را بالا می‌برد، به‌نحوی که بزهکار بالقوه از ارتکاب جرم صرف‌نظر می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر در پیشگیری وضعی هدف این است که به دنبال شناخت این واقعیت باشیم که خارج از بزهکاران و محیط‌های بزهکارانه چه موقعیت‌ها و وضعیت‌هایی در ذهن آنها وسوسه ارتکاب جرم را به وجود می‌آورد تا با شناسایی آنها به پیشگیری از وقوع جرم بپردازیم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۴۹) در تعریفی از پیشگیری وضعی آقای ژرژ پیکا عنوان نموده که پیشگیری وضعی عبارت است از اقدام به محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم یا مشکل‌تر کردن تحقق این فرصت‌ها برای مجرمین بالقوه (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

هدف از پیشگیری وضعی، ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم باوجود تصمیم به ارتکاب عمل مجرمانه، از محقق نمودن قصد خود ناتوان گردد. این نوع پیشگیری با سه امر مرتبط است: بزهکار، بزه دیده و اوضاع و احوال و محیط ارتکاب جرم که همواره بزهکار را به‌عنوان محور اصلی جریان وقوع عمل مجرمانه شناخته‌شده است (کی‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۸۹) پیشگیری وضعی از جرم یک نظریه اصالتاً انگلیسی است که توسط سه تن به نام‌های کلارک، می‌هیو، کرنیش عنوان گشت و رفته‌رفته توسعه پیدا کرد. همچنین بر اساس ماده یک قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن.

نظریه‌های مربوطه

پیشگیری وضعی از جرم از سه نظریه علمی الگو می‌گیرد:

۱. نظریه فرصت جرم

در تبیین سلسله علل وقوع جرائم تاکنون نظریه‌های مختلفی ارائه گردیده است؛ از جمله نظریه «فرصت جرم» که بر اساس این نظریه اگر فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم فراهم باشد، جرم به وقوع می‌پیوندد (محمدنسل، ۱۳۸۶، ص ۲۹۴) یافته‌های جرم‌شناسی حاکی از آن است که اگر بستر ارتکاب جرم و موقعیت آن محیا باشد، نتیجه آن افزایش ارتکاب خواهد بود؛ لذا فرصت نقش مؤثری را در بروز جرائم ایفا می‌کند.

در مبانی شرعی اسلام نیز تأکید فراوان بر سلب فرصت جرم شده و حتی برای زمینه‌های ترغیب و سهل‌کننده جرم نیز مجازات تشریح شده است؛ مانند جرم بی‌حجابی و روابط نامشروع با نامحرم؛ به‌عنوان نمونه در روایتی نقل شده: سعیده و منه، خواهران محمد بن عمید، گفتند: به محضر امام صادق (ع) مشرف شدیم و عرض کردیم آیا زن مجاز است برادر (دینی) خود را زیارت کند؟ فرمود: بلی عرض کردیم: مصافحه چطور؟ فرمود: اگر از روی لباس باشد، اشکال ندارد. سپس یکی از خواهران پرسید: این خواهر من به دیدار برادرانش می‌رود. امام به وی فرمود: هرگاه به دیدار برادر دینی خود می‌روی، لباس‌های رنگارنگ نپوش (خوئی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۴۷).

۲. نظریه فعالیت روزمره

مارکوس فلسن و لاورنس کوهن از پایه‌گذاران نظریه رفتارهای روزمره بودند و اعتقاد داشتند برای وقوع جرم سه عنصر لازم و ضروری است:

الف - مجرم دارای انگیزه؛

ب - یک آماج مناسب؛

ج - نبود محافظ و عدم ایمنی.

در مبانی فقهی نیز شاهد منع ایجاد آماج مناسب جهت تحقق جرم هستیم؛ به‌عنوان

نمونه، روایت شده که امام صادق(ع) ضمن منع فرزند خود از سپردن اموال به شراب‌خوار، می‌فرماید:

فرزندم به شراب خمر اعتماد نکن که خداوند می‌فرماید اموالتان را به سفیهان ندهید و کدام سفیه کودن‌تر از شراب خمر است (جرع‌املی، ۱۴۳۳ق، ج ۱۱، ص ۵۷۴).
در قرآن کریم تنها گناهی که حتی دوست داشتن آن ولو اینکه به منصه ظهور و بروز نرسد دارای عذاب بوده و وعده عقاب درباره‌اش داده شده است همین گناه اشاعه فحشاء است؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید (مجلسی، ۱۴۳۶ق، ج ۲، ص ۲۵۸). در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است.

بر اساس نظریه فوق، بعضی از افراد به خاطر فعالیت‌های اجتماعی روزمره ایی که دارند یا تفاوت در نوع فعالیت آنها در معرض خطر بزه دیدگی قرار می‌گیرند؛ مثلاً به دلیل افزایش شمار زنان شاغل در اجتماع، تعداد افراد حاضر در منزل در طی ساعات کاری باعث می‌شود که موقعیت برای ارتکاب جرم سرقت از منازل افزایش یابد. بدین ترتیب، نوعی ارتباط بین فعالیت‌های اجتماعی روزمره و انگیزه و هدف مجرمان وجود داشته که درنهایت، تغییر در این فعالیت‌ها نیز مؤثر در میزان افزایش یا کاهش وقوع جرم است.

۳. نظریه انتخاب عقلانی

این نظریه بر اساس تحقیقات کورنیش و کلارک معرفی شد. بر اساس این نظریه، هر انسانی معمولاً در رفتارش هدف‌دار و سنجیده بوده و در تصمیم‌گیری‌های خود آن راهی را که نزدیک‌تر به هدفش باشد، انتخاب می‌نماید و به نوعی محاسبه سود و زیان آن، پیامدهای مثبت و منفی را به همراه میزان توانایی‌ها و نقاط ضعف خود در نظر می‌گیرد. از نظر کلارک، شخص مجرم را باید یک تصمیم‌گیرنده اقتصادی دانست که نوع انتخاب‌هایش بر اساس حداکثر سود است و بعد از محاسبه هزینه و منفعت نسبت به تصمیم‌گیری عقلانی اقدام می‌نماید. به نظر می‌رسد بر اساس این نظریه عوامل محیطی بر انتخاب‌های

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجرمان مؤثر می‌باشند و مجرمان با دید عقلانی و حساب‌شده تصمیم به ارتکاب جرم در موقعیت‌های خاص می‌گیرند.

در فقه نیز شاهدیم که سیاست شارع مقدس کاهش سود و نفع جرم بوده است؛ مثلاً در باب سرقت از خرید مال مسروقه منع نموده تا بدین وسیله نفع حاصل از آن را کاهش دهد. در روایات آمده: مَنْ اشترى سَرْقَةً وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهَا سَرْقَةٌ فَقَدْ شَرِكَ فِي ... هر که مال دزدی را بخرد و بداند که دزدی است. (کلینی، ۱۴۳۵، ج ۳، ۴۴۵) رونالد کلارک در اثر معروف خود در سال ۲۰۰۵، توانسته ۲۵ روش پیشگیری وضعی را در قالب پنج دسته تقسیم‌بندی کند که به شرح زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. افزایش زحمت ارتکاب جرم	۲. افزایش خطر ارتکاب جرم	۳. کاهش مزایای حاصل از جرم	۴. کاهش تحریک	۵. از بین بردن معاذیر
۱. مقاوم کردن آماج‌های جرم؛	۱. افزایش سطح ایمنی؛	۱. آماج‌ها را مخفی نمایید.	۱. ناکامی‌ها و فشارها را	۱. قوانین را تنظیم نمایید.
۲. کنترل دسترسی به تسهیل‌کننده‌ها؛	۲. فراهم نمودن امکان نظارت	۲. آماج‌ها را دور از دسترس	۲. کاهش دهید. از بحث و	۲. دستورالعمل‌ها را اعلام نمایید.
۳. تحت کنترل گرفتن راه‌های خروجی؛	طبیعی؛	بگذارید	مشاخره	۳. هوشیار باشید.
۴. منحرف کردن بزهکاران؛	۳. کاهش سطح گمنامی؛	۳. املاک و مستغلات را	خودداری	۴. مطیع باشید.
۵. کنترل سلاح و آلات جرم.	۴. به‌کارگیری مدیر در اماکن؛	شناسایی نمایید. ۴. بازارهای جرم	۳. رانگیختن و وسوسه‌ها	۵. مواد مخدر و مشروبات الکلی را کنترل نمایید.
	۵. تقویت نظارت‌های رسمی.	را مختل نمایید. ۵. منافع حاصل از جرم را کاهش دهید.	کاهش دهید. ۴. فشار برابر را خنثی نمایید. ۵. مانع تولید شوید.	

پیشینه تحقیق

اگرچه در جوامع غربی توجه به موضوع پیشگیری از جرم و مدیریت آن از چندین دهه قبل آغاز شده است، اما در کشور ما تحقیق در مورد جرم و علل آن به چند دهه اخیر محدود می‌گردد و در میان تحقیقات صورت گرفته نیز تعداد انگشت‌شماری به مقوله پیشگیری از جرایم در سطح کلان پرداخته‌اند. همچنین تحقیقات در مورد ارتکاب جرم و پیشگیری از آن عمدتاً در شرایط عادی جامعه بررسی گردیده و تحلیل آن در شرایط بحرانی جامعه همواره مورد توجه نبوده است.

نجنفی توانا و همکاران، ۱۳۹۲ در پژوهشی با عنوان «نقش پیشگیری اجتماعی با رویکرد چند نهادی، پیشگیری از سرقت خودرو در تهران بزرگ» ضمن بررسی اهمیت سرقت خودرو، نسبت به واکاوی تدابیر پیشگیری اجتماعی برای کاهش و کنترل این جرم پرداخته و بعد از گردآوری و تحلیل نتایج، مشخص شد که این تدابیر به میزان بالایی در پیشگیری از سرقت خودرو مؤثر است.

صالحی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی نقش پیشگیری وضعی در کاهش وقوع جرم سرقت مسلحانه از بانک‌ها و اماکن تجاری پرداخته است. او در مقاله خود به این نتیجه رسید که چهار نوع سبک مدیریتی به ترتیب از بیشترین به کمترین به شرح زیر در کشف جرائم سرقت‌های مسلحانه بدین شرح اثری تعیین کننده دارند:

۱. بانک‌ها، مؤسسات مالی و اقتصادی و اماکن تجاری که در آن‌ها پلیس با سلاح گرم مستقر است، کمتر در معرض سرقت‌های مسلحانه هستند.
۲. استفاده از افسران باتجربه در کنار افراد جوان با وسایل نقلیه مناسب و سرکشی آن‌ها از اماکن یادشده در پیشگیری از سرقت‌های مسلحانه مؤثر است.
۳. استفاده از گشت‌های موتورسوار و خودرویی برای سرکشی از اماکن تجاری و همچنین استفاده از گشت موتورسوار برای تعقیب سارقین مسلح جهت عبور از ترافیک در دستگیری سارقین مسلح و کاهش سرقت‌های مسلحانه مؤثر است.

رفعتی اصل، سیدعزیز، نوربخش، سید مرتضی (۱۳۹۸) در پژوهشی با نام «بررسی عوامل اجتماعی و پیشگیری وضعی مؤثر بر جرم سرقت مرتبط با جوانان شهر سنندج» ضمن ارائه

نظریه‌های مرتبط با بزهکاری در پی بررسی عوامل اجتماعی و پیشگیری وضعی مؤثر بر جرم در بین جوانان بزهکار جامعه است و در این راستا با بررسی وضعیت تعداد ۵۰۰ نفر از جوانان مرتکب جرم سرقت در شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۷، نتایج حاکی از آن بوده که فراوانی ارتکاب جرم در نقاط شهری به مراتب بیشتر از نقاط روستایی است و بخش زیادی از مجرمین دارای تحصیلات پایین بوده است. همچنین ارتباط با دوستان مجرم، نقشی مؤثر در وقوع جرم دارد. از سوی دیگر، در میان عوامل اجتماعی از جمله میزان دین‌داری، ارتباط با دوستان مجرم و ساختار خانواده نقش عامل انتظامی یعنی تکنیک‌های پیشگیری وضعی به‌تنهایی بیشتر از عوامل دیگر است.

طبالوندانی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با نام «نقش جنگ و بلایای طبیعی بر میزان افزایش جرم» به بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم پرداخته و همچنین نقش مدیریت بحران و رابطه آن با جامعه‌شناسی مصائب جمعی را مورد واکاوی قرار داده است و بر تأثیر نامطلوب حوادث طبیعی و جنگ که باعث به مخاطره افتادن زندگی هر اجتماع و بروز جرایم مختلف می‌گردد، تأکید نموده است.

وروایی نادری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر تدابیر پیشگیری وضعی از جرایم در بحران‌های طبیعی که مورد مطالعه آن نیروی انتظامی استان کرمانشاه بوده است» ضمن بررسی تأثیر پیشگیری وضعی از جرایم در بحران‌ها به توانمندی‌های مجموعه نیروی انتظامی، حوزه عملکردی و چالش‌های فرا روی مدیریت انتظامی بحران در هنگام وقوع بلایا پرداخته است که تمرکز تحقیق مذکور بیشتر بر روی توانمندی‌های منحصر به فرد نیروی انتظامی به‌عنوان سازمانی که معمولاً در هنگام بروز حوادث نقش مشارکتی فعال دارد است.

درویشی و جزینی (۱۳۹۸) در مقاله‌هایی با موضوع شناسایی اقدامات اجرایی پیشگیری از سرقت خرد در استان قم، نگارندگان ضمن تقسیم‌بندی جرم سرقت به خرد و کلان نسبت به بررسی ضعف‌ها و کاستی در زمینه وقوع جرم سرقت در سطح شهر قم از جمله عوامل اجتماعی و وجود خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی اقدام نموده و اجرای طرح‌های پیشگیرانه از سرقت‌های خرد توسط کوپ را به‌عنوان یکی از راهکارهای کنترل سرقت‌های خرد نام برده‌اند و در نهایت، بر اساس تجزیه و تحلیل آمارهای به‌دست آمده نتایج حاکی از آن بوده

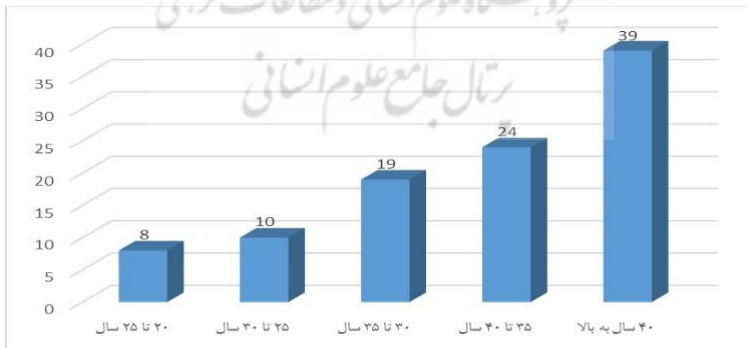
که در حوزه پیشگیری وضعی از سرقت خرد اقداماتی همچون در دسترس قرار نگرفتن اموال، نظارت بر ساخت و ساز مناسب محیط‌های شهری، نصب دوربین و تجهیزات پایش مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته است.

روش تحقیق

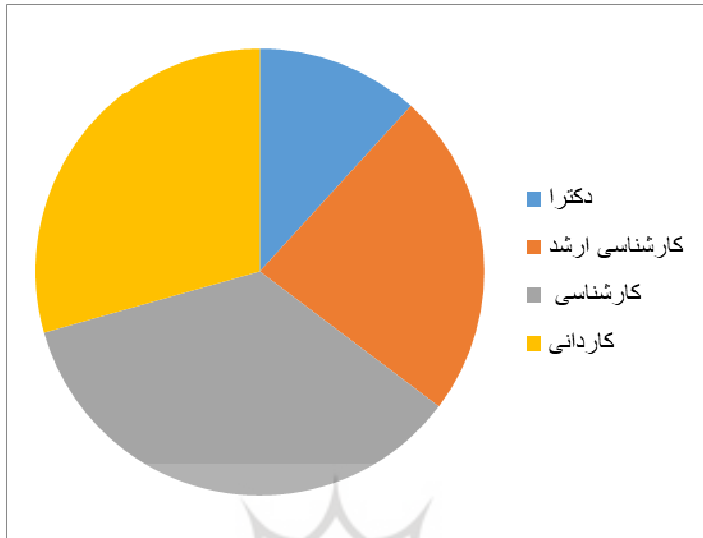
این پژوهش از نظر هدف و ماهیت کاربردی و از روش تحقیق آن دلفی که و شیوه مصاحبه کیفی بوده و همچنین ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته است که در بین جامعه آماری حدود ۳۵ نفر از کارشناسان، نخبگان و حقوقدانان به عمل آمده است. ضمناً نظر به فعالیت جانبی محقق در زمینه امداد و نجات در بحران‌ها، خصوصاً مشاهدات عینی از زلزله سال ۱۳۹۶ استان کرمانشاه، محیط اجتماعی مورد تحقیق هم اغلب در این استان متمرکز گردیده است.

همچنین با توجه به اینکه رویکرد این پژوهش پیشگیری وضعی از جرم است؛ لذا سعی شده به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود.

۱. آیا اعمال روش‌های پیشگیری وضعی در مورد جرم سرقت مؤثر و کارآمد هستند؟
۲. چه راه‌کارهایی به هنگام وقوع حوادث و بحران‌های طبیعی و بعد از آن بایستی بکار گرفته شود؟



نمودار توزیع سنی مصاحبه‌شوندگان



نمودار میزان تحصیلات مصاحبه‌شوندگان

یافته‌های تحقیق

برای وقوع جرم هم‌زمانی و تقارن سه عنصر زیر ضروری است:

الف - وجود مرتکب دارای انگیزه مجرمانه؛

ب - نبود مانع و محافظ جدی؛

ج - وجود هدف مستعد و محافظت نشده.

حال مقوله پیشگیری وضعی می‌خواهد بر اساس مورد اخیر (هدف مستعد یا همان بزه دیده) اهداف پیشگیرانه خود را تبیین کند. اصولاً پیشگیری وضعی به صورت کلی بر دو محور استوار است:

۱. مداخله در وضعیت‌های پیش از ارتکاب جرم؛

۲. ایمن نگه‌داشتن آماج جرم از مخاطرات بزه دیدگی.

در محور اول، منظور از وضعیت پیش از ارتکاب جرم همان شرایط معمولی است که جرم در آن به وقوع می‌پیوندد که می‌توان با شناسایی موقعیت‌های خطرناک گامی مؤثر در

پیشگیری برداشت؛ مثلاً در جرم سرقت بایستی در خصوص اهداف مستعد و محافظت نشده موجود که می‌تواند آماج ارتکاب جرم واقع شوند و از جمله وضعیت‌های بینابین که در اثر فشار یک بحران و حالت عملی پدید می‌آیند، مثل کاهش امنیت جامعه در بحران‌های طبیعی و ضعف در برقراری آن، از دست رفتن سرمایه‌های مالی مردم، فشار روحی و روانی، ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و...، به صورت ناخودآگاه بستری را برای ارتکاب جرمی مثل سرقت را فراهم می‌سازد که می‌توان با رهیافت پیشگیری وضعی و استفاده از تدابیر وضعیت محور که جنبه غیر کیفری نیز دارند وضعیت‌های پیش از بزهکاری را تغییر داد به نحوی که موقعیت‌های مساعد بزهکاری را کاهش داده و فرآیند تصمیم‌گیری بزهکاران با شک و تردید همراه شود با این ترتیب پیشگیری وضعی با به کارگیری اقدامات نامساعد کننده موقعیت‌های پیش از بزهکاری، ایجاد اختلال در فرآیند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه را مدنظر قرار می‌دهد پس با این کار باید بزهکار احتمالی را در وضعیتی قرار داد که ارتکاب جرم را عملی زیان‌آور و بدون سود تلقی کند.

محور دوم، ایمن نگه‌داشتن آماج جرم است. آماج همان هدف جرم است. این واژه، موضوع بزه و ابزار دسترسی به آن را مشخص می‌نماید. بدین نحو که گاه جسم انسان و گاه اموال وی موضوع جرم تلقی می‌شوند؛ برای مثال، اگر فردی مورد ضرب و جرح قرار گرفت در واقع جسم انسان آماج بزه واقع شده است یا اگر خودروی او سرقت شود، مال او آماج بزه قرار گرفته است.

آماج یا موضوع بزه به دودسته مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود. آماج مادی مواردی مانند جسم انسان، اموال افراد و آماج غیرمادی (معنوی) کرامت بشری، حیثیت و آبروی افراد، مسائل خصوصی زندگی افراد، آثار ادبی، فکری و داشته‌های هنری آنان را دربر می‌گیرد. آماج، ابزار یا ابزارهایی هستند که با گذر آنها می‌توان به موضوع جرم دست یافت که به این ترتیب، تولید و قاچاق مواد مخدر آماج یا ابزار محسوب می‌شود؛ زیرا تولید و قاچاق آن سبب می‌شود تا معتادان به راحتی به آن دسترسی پیدا کنند. پس آماج، هدفی است که مرتکب برای رسیدن به آن به ارتکاب جرم دست می‌زند و به طور خلاصه، پیشگیری وضعی به دنبال آن است که با ایمن‌سازی آماج جرم از وقوع جرم و بزه دیده

شدن هدف جرم جلوگیری کند؛ زیرا که اصل بر آن است همه افراد و اموال آنان بزه دیده احتمالی هستند؛ یعنی استعداد اینکه مورد جرم واقع شوند را دارند و بایستی برای جلوگیری از تبدیل شدن آنها به بزه دیده واقعی، شناسایی و حمایت به موقع از آنان به عمل آید.

به صورت کلی، پیشگیری وضعی تدابیر و اقداماتی است که جنبه غیر کیفری دارند و به منظور مقابله با افرادی که انگیزه و احتمال ارتکاب اعمال مجرمانه را دارند از طریق از بین بردن موقعیت‌های مساعد برای وقوع جرم و به نوعی نامناسب نشان دادن اوضاع و احوال پیش از وقوع جرم حرکت می‌کند که البته در بعضی موارد از طریق اقدام‌های فنی از جمله حمایت از اهداف جرم و بزه دیدگان احتمالی درصدد است که به صورت غیرمستقیم باعث کاهش میزان بزهکاری شود.

همان‌طور که اشاره شد، اساس پیشگیری وضعی، کاهش یا حذف فرصت ارتکاب بزه است، اما باید توجه داشت که از بین رفتن یک فرصت، باعث از بین رفتن سایر عوامل مؤثر و انگیزه مجرمانه نمی‌شود.

برخی از منتقدان این نوع پیشگیری، معتقدند پیشگیری وضعی در همان زمان و مکان اجرا نتیجه‌بخش بوده و آثار پیرامونی ندارد، این نوع پیشگیری مختص مقطع زمانی خاص بوده و تا زمانی که اقدامات تقویت‌کننده آماج جرم وجود دارد، آثار پیشگیرانه آن قابل توجه نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶۶)؛ بدین معنا که به محض برداشتن این محدودیت‌ها امکان وقوع جرم افزایش می‌یابد. در پاسخ باید گفت که اگر در استفاده از تدابیر این نوع پیشگیری افراط شود جامعه محصور و به نوعی، حریم خصوصی و حق خلوت مردم که مورد حمایت ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ واقع شده نقض می‌گردد با این حال، به نظر می‌رسد پیشگیری وضعی از جرم از طریق افزایش خطرات، مشکلات ارتکاب و کاهش سود ناشی از ارتکاب به دنبال کاهش فرصت‌ها برای وقوع برخی جرایم است که شامل جرایم غیر عمدی یا ناشی از بی احتیاطی نمی‌گردد؛ زیرا در این نوع جرائم، بین مرتکب و

۱. هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه و مکاتبات خود مورد تعرض خودسرانه واقع شده و شرافت و آبرویش مخدوش گردد.

بزه دیده رابطه‌ای وجود ندارد و چنین جرایمی در یک لحظه و بدون تصمیم‌گیری قبلی ارتکاب می‌یابند. با این وجود از آنجا که هزینه پیشگیری وضعی به مراتب کمتر از مجازات کیفری مجرمان است و ثابت شده که کاهش فرصت می‌تواند در بازدارندگی از جرم و ترس بزهکاران مفید باشد و همچنین استفاده از تدابیر این نوع پیشگیری به لحاظ مدرن و قابل رؤیت بودن همواره مورد تأکید بوده است؛ برای مثال، هنگام وقوع حوادث و بحران‌های طبیعی که فرصت ارتکاب برخی جرایم از جمله سرقت برای بزهکاران مهیا بوده و از طرفی نظر به شرایط خاص محیطی و عدم دسترسی کامل و فوری به مناطق آسیب‌دیده می‌توان با نصب برخی تجهیزات الکترونیکی، استفاده از پهپاد و هلی‌کام‌ها و مانند آن، موجبات افزایش کارایی نیروهای پلیس را فراهم آورد زیرا تشدید نظام کنترل و نظارت، ارتکاب جرم را به تأخیر انداخته و زمان بیشتری به نیروی انتظامی در راستای مداخله می‌دهد. همچنین استفاده از تدابیر پیشگیری وضعی باعث افزایش قدرت شناسایی و دستگیری مجرمین شده بدون اینکه نیاز به افزایش تعداد نیروی انسانی در مناطق یاد شده لازم گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، پیرامون موضوع پیشگیری از جرم در هنگام وقوع بحران‌های طبیعی بحث نموده است. از آنجا که حوادث و بحران‌های طبیعی علاوه بر درد و رنج و مصیبت‌هایی که بر آسیب دیدگان به همراه دارند همواره باعث بروز نابسامانی و ناهنجاری‌های اجتماعی نیز می‌گردند که نتیجه آن مهیا شدن بستر وقوع برخی جرائم از جمله جرم سرقت است؛ لذا نظر به شرایط محیط بحران‌زده، نهادهای ذیصلاح باید از تدابیر مؤثر پیشگیری از جرم به موقع و به‌طور کامل استفاده نمایند؛ زیرا لازمه امداد رسانی صحیح به افراد حادثه‌دیده برقراری نظم و امنیت در آن منطقه است.

از سوی دیگر، با توجه به آثار منفی و مخرب بحران‌ها از جمله فقر و تنگدستی، ناامیدی، افسردگی، خشونت و گرایش به اعتیاد که در جامعه برجای می‌گذارند، عموماً با اوضاع اقتصادی و معیشتی افراد مرتبط هستند؛ بنابراین، وقوع جرم سرقت اجتناب‌ناپذیر

می‌گردد که در این شرایط خاص، صرف‌نظر از راه‌کارهای پیشگیرانه ابتدا باید از پتانسیل تیم‌های حمایت روانی حاضر در محل، مددکاران اجتماعی، نهادهای مردمی و مانند آن، جهت تقویت سطح روحی و روانی، تسکین آلام افراد حادثه‌دیده استفاده نمود. همچنین از طریق اختصاص ارقام امدادی اولیه، کمک‌های مالی و غیرمالی، اعطای تسهیلات بلاعوض به حادثه‌دیدگان، حمایت‌های قانونی از بازماندگان از جمله پرداخت دیه، خسارت، تحت پوشش بیمه قرار دادن و غیره به‌نوعی شرایط اولیه زندگی و برقراری ثبات و آرامش را فراهم آورد با این حال با توجه به نتایج مرتبط با بررسی داده‌های آماری به نظر می‌رسد، استفاده از حضور نهادهای مردمی و نظارت آنان بر جمع‌آوری، توزیع کمک‌ها، اتخاذ سایر تدابیر پیشگیری وضعی همچون ارتقاء و نصب سامانه‌های امنیتی، دوربین مداربسته، تشدید گروه‌های عملیاتی و گشت زنی و نظارت پلیس بر اماکن مهم و تجاری، تعیین محل مناسب برای نگهداری موقت اموال بلاصاحب تا زمان شناسایی صاحبان و استرداد به آنها، جلوگیری از هرگونه جابه‌جایی کمک‌های مردمی و خروج اموال و اثاثیه از مناطق بحرانه‌زده، جلوگیری از حضور افراد غیربومی در محل‌های یاد شده در پیشگیری از وقوع جرم سرقت مؤثر باشد.

راهکارها و پیشنهادها

از جمله راهکارهای پیشنهادی در جهت پیشگیری جرم سرقت در سوانح و بحران‌های طبیعی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. انجام مانورهای متعدد که در آنها نقش سازمان‌های مختلف در وقوع بحران‌ها مشخص و تعیین شده باشد؛
۲. پیش‌بینی مکان‌های مناسب برای نگاهداری متهمان و مجرمان در هنگام وقوع بحران‌ها؛
۳. بازنگری و رفع ابهامات در قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط با بحران‌ها؛
۴. افزایش امنیت و استحکام مراکز نظامی، انتظامی، پشتیبانی و...؛
۵. پیش‌بینی مکان‌های امن برای نگهداری ارقام مهمی همچون سلاح، مهمات، اسناد، مدارک و... در هنگام بروز بحران‌های طبیعی؛

۶. تشکیل جلسات جهت هماهنگی و شرح وظایف سازمانی ارگان‌های ذی‌ربط در بحران‌ها؛
۷. مشخص نمودن استان‌ها و شهرستان‌های معین در بحث حوادث و بحران‌های طبیعی؛
۸. آموزش دانش آموزان، دانشجویان، اقشار مختلف با دوره‌های امداد و نجات در مواقع بحرانی؛
۹. افزایش پست‌های بازرسی در ورودی و خروجی شهرهای بحران‌زده جهت بالا بردن امنیت شهروندان؛
۱۰. تشدید گشت‌های انتظامی در سطح شهر و اماکن تجاری، افزایش اقدامات تأمینی و احتیاطی در جهت پیشگیری از سرقت؛
۱۱. پیش‌بینی استفاده از ظرفیت نیروهای داوطلب و مردمی و همچنین سازمان‌دهی ایشان در جهت برقراری نظم و امنیت، کمک‌رسانی و...؛
۱۲. پیش‌بینی و طراحی طرح‌های ترافیکی خاص عبور و مرور جهت اجرا در مناطق بحران‌زده؛
۱۴. برگزاری برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و... قبل از وقوع بحران‌ها در جهت بالا بردن روحیه همکاری و همدلی بین اقشار مختلف؛
۱۵. تقویت و بروز رسانی ابزار، سامانه‌های امنیتی و ارتباطی و حفاظتی موجود در سطح مناطق موردنظر جهت افزایش نظارت بر معابر عمومی، اماکن حساس و استفاده از تصویربرداری هوایی (پهپاد و هلی‌کم) جهت کنترل و نظارت بر مناطق آسیب‌دیده و دورافتاده و...؛
۱۶. اعزام و به‌کارگیری گروه‌های حمایت روانی در محل وقوع حوادث و بحران‌های طبیعی در جهت پیشگیری از عوارض روانی، اجتماعی ناشی از حوادث و ارتقا میزان سلامت روانی مثبت در جامعه بحران‌زده؛
۱۷. تقویت مهارت‌های اجتماعی بازماندگان و کمک به جامعه برای سازمان‌دهی

مجدد، خودیاری و بازسازی جامعه همچنین پیشگیری از پیشرفت و تشدید عوارض روانی در حوادث که اغلب پیش‌زمینه وقوع برخی از جرایم است؛
۱۸. حضور نهادهای مردمی در مناطق بحران‌زده و نظارت آنان بر جمع‌آوری، توزیع کمک‌ها که بهترین و کارآمدترین راه مقابله با شایعات حین بحران است.

محدودیت‌های تحقیق

۱. فقدان تحقیقات مشابه و همچنین مشکلات مربوط به دسترسی به آمار و بانک‌های اطلاعاتی؛
۲. وقت‌گیر بودن و سیر آهسته فرآیند گردآوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به روش تحقیق به کار گرفته شده (روش دلفی)؛
۳. دشواری دسترسی به پرسش‌شوندگان با توجه به تعداد بالای آنان و نیز شرایط ناشی از محدودیت‌های به وجود آمده به دلیل شیوع ویروس بیماری کرونا؛

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «الگوی جامع پیشگیری از وقوع جرم در حوادث و بحران‌های طبیعی» است؛ لذا بدین وسیله کمال تشکر و قدردانی را از اساتید راهنما و مشاور اعلام می‌داریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. آقابخشی، حبیب. (۱۳۸۲). «مشور مددکاری اجتماعی برای بلایای طبیعی (با نگاهی به زلزله بم)». مجله رفاه اجتماعی. دوره ۳، شماره ۱۱، ص ۱۳۳-۱۴۵.
۲. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیشگیری. (ج ۱). نشر میزان.
۳. اسدی، علی. (۱۳۷۰). «بحران‌شناسی و جامعه‌شناسی بحران». مجله علمی پژوهشی دانشنامه. تهران: دانشگاه آزاد، ص ۱۳.
۴. بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر؛ عبدی، نرگس. پیشگیری از جرم با رویکرد اجتماعی، (چاپ اول). تهران: گنج دانش.
۵. جهانگیری، کتابون. (۱۳۹۹). حمایت روانی - اجتماعی در حوادث غیرمترقبه - دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. (چاپ چهارم). فصل نهم.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۳۳ق). وسائل الشیعة. (تحقیق مؤسسه آل‌البیت). قم: مؤسسه آل‌البیت.
۷. حلی، ابن‌ادریس. (۱۳۸۶). السرائر. (ج ۳). قم: انتشارات دلیل ما.
۸. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم الرجال الحدیث. (ط. الخامسة).
۹. درویشی، صیاد؛ جزینی، علیرضا؛ خداداد، رضا. (۱۳۹۸). «شناسایی اقدامات اجرایی پیشگیری از سرقت خرد در استان قم». مجله انتظام اجتماعی. دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۱-۲۴.
۱۰. رزنام، دنیس؛ لوریسیو، آرتور؛ داویس، روبرت. (۱۳۷۹). «پیشگیری وضعی از جرم». مجله حقوقی دادگستری. شماره ۳۲، دوره ۳، ص ۱۴۷-۱۷۲.
۱۱. رفعتی اصل، سید عزیز؛ نوربخش، سید مرتضی. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل اجتماعی و پیشگیری وضعی مؤثر بر جرم سرقت مرتبط با جوانان شهر سنندج». فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی. سال بیست و یکم، شماره ۲، ص ۱۹۰-۲۱۵.

۱۲. رفیعی، حسین رضا؛ رفیعی، هادی. (۱۳۹۲). «تأثیر تدابیر پیشگیری وضعی بر پیشگیری از سرقت خودرو در تهران بزرگ». مجله کارآگاه. شماره ۲۳، سال ششم، تابستان ص ۲۵-۴۲.
۱۳. رئیسی اکبری، قاسم. (۱۳۸۴). بلایا و اقدامات اولیه. دانشگاه علوم پزشکی استان مرکزی.
۱۴. سعادت، اسفندیار. (۱۳۶۹). «مدیریت بحران». فصلنامه دانش مدیریت بحران. دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۲۱.
۱۵. صالحی، سید مهدی. (۱۳۸۷). بررسی نقش پیشگیری وضعی در کاهش وقوع جرم سرقت مسلحانه از بانک‌ها و اماکن تجاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۴۱-۴۲.
۱۶. طبلوندانی، نگین. (۱۳۹۳). نقش جنگ و بلایای طبیعی بر میزان افزایش جرایم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۷. علیمردانی، سوسن؛ گودرزی، محمود. (۱۳۹۵). نقش پلیس در مدیریت بحران‌های طبیعی (سیل) کنفرانس ملی مدیریت بحران در شریان‌های حیاتی. صنایع و مدیریت شهری.
۱۸. کلینی محمد بن یعقوب. (۱۴۳۵ق). فروع کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. کی نیا، مهدی. (۱۳۹۹). مبانی جرم‌شناسی. (ج ۱). انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. گسن، ریموند. (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی. (ترجمه مهدی کی نیا). (چاپ اول). تهران.
۲۱. گل محمدی خامنه، علی. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرایم. تهران: انتشارات جهان جام جم.
۲۲. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۴). محشای قانون مجازات اسلامی. (چاپ چهارم). انتشارات مجد.
۲۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۳۶ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه‌الوفاء.
۲۴. محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۸۶). «اصول و مبانی نظریه فرصت جرم». مجله‌ی حقوق و علوم سیاسی. شماره ۳، ص ۲۹۴.
۲۵. معین، محمد. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی معین. (ج ۱). تهران: انتشارات عقیل.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۷). تقریرات جرم‌شناسی. دانشگاه تهران.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). تقریرات در جرم‌شناسی. دانشگاه تهران.
۲۸. نجفی توانا، علی. (۱۳۹۴). جرم‌شناسی. (چاپ سوم). انتشارات آموزش و سنجش.

۲۹. نجیبیان، علی؛ بابایی، محمدعلی. (۱۳۹۰). «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم». مجله حقوقی دادگستری. دوره ۷۵، شماره ۷۵، ص ۱۴۷-۱۷۲.
۳۰. وروایی، اکبر؛ نادری، علی. (۱۳۹۵). بررسی تدابیر پیشگیری وضعی از جرایم. کرمانشاه، شماره ۲۹، ص ۷۳-۱۰۶.
۳۱. ولد، جرج. (۱۳۹۴). جرم‌شناسی نظری. (ترجمه علی شجاعی).
32. Clarke.R.V. (1997), Introduction, in: R.V.Clarke (ed), *Situational Crime prevention Successful Case Studies*.

